



(اشخاص نمایش)

Jupiter	ژوپیتر
Oreste	اورست
Égisthe	اژیست
Le Pèdagogue	لوپداگوگ
Premier Garde	نگهبان اول
Deuxième Garde	نگهبان دوم
Le Grand Prêtre	راهب بزرگ
Électre	الکتر
Clytemnestre	کلیتمنستر
Une Érinye	یک ارینی
Une Jeune Femme	یک زن جوان
Une Vieille Femme	یک پیر زن
Hommes Et Femmes Du Peuple	مردان و زنانی از مردم
Érinnyes. Serviteurs	ارینی‌ها، خدمت‌گزاران
Gardes Du Palais	نگهبانان قصر

میدانی در آرگوس.<sup>۱۱</sup> تندیس ژوپیتر، خدای  
مگس‌ها و مرگ. چشمانی سفید، صورتی خون‌آلود.

### صحنه اول

پیرزنان سیاه‌پوشی در حال حرکت،  
سرودخوانان و دعاگویان، در پای مجسمه بر خاک  
شراب می‌افشانند.<sup>۱۲</sup> در انتهای صحنه، مرد ابله‌ی بر  
زمین نشسته است. اورست<sup>۱۳</sup> و لوپداگوگ<sup>۱۴</sup> وارد  
می‌شوند، سپس ژوپیتر.<sup>۱۵</sup>

اورست      هی، خاله خان باجی‌ها! (جمعیت زنان همگی فریادی  
سر می‌دهند.)

لوپداگوگ      آیا می‌توانید به ما بگویید... (زنان بر زمین تف کرده و  
قدمی عقب می‌روند.)

لوپداگوگ      آهای، شماها، گوش کنید، ما مسافرانی سرگردانیم. من  
فقط می‌خواهم از شما خبری بگیرم. (پیرزنان با به زمین  
انداختن ظرف خاکستر مُردگانِ خود، پا به فرار می‌گذارند.)

لوپداگوگ      گوشت‌های فرتوت! شاید خیال می‌کنند من می‌خواهم  
حُسن و جمالشان را برابیم؟ آه! ارباب، وای از این سفر  
مسخره و لعنتی! در حالی که بیش از پانصد شهر درجه  
اول، از یونان بگیر تا ایتالیا، وجود دارد، شهرهایی با